



همچنان بهت زده ایم

افشین حدیری

عبدالحمید قدیریان
هنرمند نقاش

راهپیمایی اربعین حالا دیگر به یک پدیده نوین در جامعه امروز بدل شده و عظمت این حرکت یک هویت نوین اجتماعی را در پهنه جغرافیای ما شکل داده است. عبدالحمید قدیریان از هنرمندان برجسته نقاشی و چهره سال هنر انقلاب است. او از جمله طراحان دکور و صحنه آثار سینمایی است و در پروژه‌هایی همچون «مریم مقدس»، «ملک سلیمان» و «محمد رسول الله» حضور داشته است. قدیریان توفیق حضور در اجتماع بزرگ اربعین را داشته و مجموعه تابلوهای «آسمان حسین» و «همپای نور» نمایشی از تجربه زیسته این هنرمند از این اجتماع بزرگ حسینی است. در ادامه یادداشت شفاهی این هنرمند را در توصیف عظمت راهپیمایی اربعین حسینی می‌خوانید.

بهره بردن از اربعین بستگی به معرفتی دارد که افراد نسبت به عاشورا دارند. همان طور که می‌دانید مفاهیم سه‌بعدی هستند و لذا در بعد ارتفاع هر قدر که معرفت آسمانی تر باشد، لطیف‌تر و هر قدر معرفت سمت‌وسوی دنیایی به خود بگیرد خشن تر و فرد هم بهره کمتری می‌برد. عاشورا را هم می‌توان از جنبه دنیایی نگریست، به عبارت دیگر آن واقعه را می‌توان یک جوشش اجتماعی و سیاسی دانست و از آن عبرت‌ها برد و هم می‌توان آن را از منظر برزخی و اخلاقی نگریست و از آن بهره‌ها برد و همچنین می‌توان آن را امری ملکوتی و آسمانی دانست و از نور آن استفاده کرد.

زمانی که برای ساخت فیلم ملک سلیمان (ع) تحقیق می‌کردیم به ابعاد عجیبی از رفتار حضرت سلیمان (ع) برخوردیم که بیان آنها در ظرف فیلم و سینما قابل گفتن نبود. سلیمان (ع) یکی از سابقون است و حجاب زمان برای او محدودیتی ایجاد نمی‌کرد. وی بعد از جنگ‌های بسیار، در پی رشد خود می‌دانست که باید به‌سوی

برود که نور او را هدایت کند. آن حضرت به‌همراه یاران خویش به تاخت به‌سوی سرزمینی که نور از آن ساطع می‌شود، می‌رود. در کربلا قومی را می‌بیند که با اینکه در مجاورت خورشیدند ولی از نور بهره‌ای ندارند. ایشان می‌دید که کربلا محلی است که خورشید وجود امام حسین (ع) در آن به تابیدن مشغول است و آن قوم پلید بی‌تقوا، (قاتلان امام) هیچ بهره‌ای از نور او نمی‌برند و همچون شب‌پرها از نور گریزان و فراری هستند.

سلیمان (ع) با ماجرای حضرت موسی (ع) آشنا بود و در بین دورود دجله و فرات با بزرگواری مواجه می‌شود که موسی (ع) در مجمع البحرین با او مواجه شد. سلیمان (ع) با مجمع البحرین (حضرت خضر) همراه شد و به سرچشمه نور وارد گشت. او می‌دانست که خضر (ع) به‌همراه ذوالقرنین به وادی ظلمات رفته و وارد آب حیات شد و از آن پس زندگی جاوید یافت. او می‌دانست که کربلا از دیدگاه مادی و ظاهری به‌خاطر رفتار شیاطین انسی و جنی، بسیار تاریک و غمبار است، اما در باطن آن ظاهر تاریک، آب حیات وجود دارد و هر کس طالب حیات باشد باید وارد آن سرزمین شود تا زنده شود. سلیمان (ع) وارد آن سرزمین شد و همچون خضر (ع) از آب حیات نوشید و با مفهوم «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْوُونَ» آشنا شد. او می‌دانست درجات بالای حیات را باید در ارتفاعات آسمان جست‌وجو کرد و خداوند یاران مولا را به‌اعلی‌علیین رسانده بود.

والا ترین فضای تربیتی برای ظهور

وقتی از اربعین به‌عنوان یک پدیده اجتماعی سخن می‌گوئید باید جایگاه آن را در برنامه الهی جست‌وجو کنید. هنرمندان با توجه به تیزبینی و دقت‌نظری که دارند برای خلق آثار خود باید در ابتدا تیزبین دقیق و منطبق با حق را از اربعین داشته باشند تا آثارشان بتواند در

این حوزه پیشرو باشد و آینده‌پژوهانه مسیر پیش‌رو را نشان دهد. از آنجا که جامعه جهانی به‌سرعت به‌سمت حوادث قبل از ظهور می‌رود، اربعین را باید به‌عنوان یک رفتار تربیتی از جانب خداوند دانست که با قرار دادن افراد در آن فضا، آنها را دعوت به کسب صفاتی می‌کند که در مسیر به‌سوی آینده و مواجه شدن با حوادث سخت قبل از ظهور به آن نیاز دارند.

به یاد دارم از سال ۹۳ حدود چهار سمینار در روز اربعین، در سالن مجاور حرم امام حسین (ع) شرکت داشتیم و در تمام سمینارها، همه علما از کشورهای مختلف، نسبت به پدیده اربعین اظهار بهت زدگی می‌کردند. در طول این سال‌ها علما و سخنرانان از جنبه‌های مختلف سعی کردند ویژگی‌های اربعین را احصا کنند و در اختیار مردم بگذارند اما متأسفانه کمتر از ویژگی اصلی اربعین سخن به‌میان آوردند و آن نورالله است، همان نوری که همه قلوب را به تسخیر خود دارد و آنها را در سخت‌ترین دوران (حضور داعش) به کربلا کشانده است. همان نوری که مولا علی (ع) در حدیث «معرفت به نورانیت» بر هر شیعه‌ای، آشنایی با آن را واجب می‌خواند.

اگر باور کنیم که اربعین قسمتی از برنامه الهی است که خداوند طبق آن ما را تربیت و به‌سمت ظهور می‌کشاند، به تفاوت‌های آن با اجتماعات دیگر پی می‌بریم. به طوری که در چندین باری که با زوار اربعین همراه بودم از آنها تأثیر زیادی گرفتم که حاصل آن را در مجموعه تابلوهای «آسمان حسین» و «همپای نور» در سال‌های ۹۴ و ۹۸ به‌نمایش گذاشته‌ام.

بار دیگر تأکید می‌کنم جای تبیین آسمانی در اربعین توسط علما خالی است. می‌توان با انتقال معرفت قرآنی به مومنین باعث شد آنها بسیار بیش از این از اربعین بهره‌برند و از مواهب آن در زندگی فردی و اجتماعی خود استفاده کنند.

قاب‌ها توان تصویر ندارند

مسعود شجاعی طباطبایی
نقاش و کاریکاتوریست

نام مسعود شجاعی طباطبایی با هنر کاریکاتور عجین شده است. او طی سال‌ها فعالیت هنری و

خلق آثار کاریکاتور موفق به دریافت نشان مفاخر تجسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شده و با حضور در جشنواره‌ها و رقابت‌های هنری ملی و بین‌المللی جوایز و الواح تقدیری متعددی دریافت کرده است. شجاعی طباطبایی از جمله هنرمندانی است که توفیق زیارت راهپیمایی اربعین را داشته. آنچه می‌خوانید تجربه او از سفر راهپیمایی اربعین است. عاشورا، نبرد حق علیه باطل بود و یزید فکر می‌کرد با شهادت امام حسین (ع) و یارانش پیروز میدان است اما بعد از شهادت‌شان با جریان عظیمی روبه‌رو شدیم که بهترین توصیف آن را می‌توان در بیان حضرت زینب (س) دید که گفتند: «ما رأیت الی جمیلا»؛ آنچه برای ما اتفاق افتاد رسوایی نبود، بلکه همه زیبا و دل‌پسند بود. این تفسیر زیبایی خواهر امام حسین (ع) به‌واقع نمونه‌ای از یک توصیف واقعه کربلاست که اگر با تعمق به آن نگاه کنیم درس‌های زیادی را برای ما در پی خواهد داشت.

در رثای اربعین هر چقدر کار کنیم انگار تمامی ندارد و هر سال که از این واقعه می‌گذرد با اتفاقات عجیب و غیرقابل‌انتظاری روبه‌رو می‌شویم. راهپیمایی عظیم اربعین نه‌فقط از جنبه گستردگی جغرافیایی، بلکه از جنبه معنوی، آنچنان عظیم است که اگر برای هر لحظه آن منظره خاصی به تصویر بکشیم، جای کار فراوان دارد. می‌توان با اندکی تعمق در رفتار مردم، احساسات، خدمت‌زائران و... لحظات ناب معنوی را در آثار هنری به‌تصویر کشید. لحظه‌لحظه این مراسم پر از شور، عشق و دلدادگی است که هنرمند با بصیرت که در این مسیر قرار گرفته و با چشم دل نظاره‌گر این صحنه‌هاست می‌تواند با نگاه زیبایی‌شناسانه خود که همراه با عطر معرفت است، آنها را به تابلو درآورد. بدون شک این هنر وقتی در معرض دید مخاطب قرار می‌گیرد می‌تواند پیام و تأثیر مضاعفی را نه‌فقط برای کسی که در این پیاده‌روی بوده، بلکه برای کسانی که توفیق حضور هم نداشتند، تداعی کند. کار هنرمند در نمایش واقعیت‌های جامعه بسیار بزرگ است و با